

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

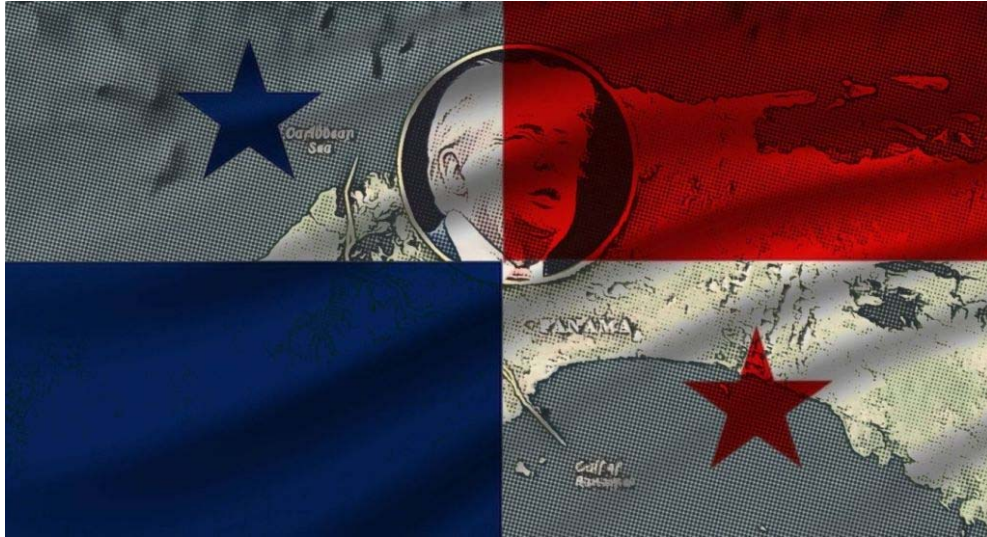
afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

گلوبال تایمز
برگردان: جنوب جهانی
فرستنده: عثمان حیدری
۰۱ جنوری ۲۰۲۵

درس هائی از ماجرای پاناما



درس هائی از ماجرای پاناما: در دهه سوم قرن بیست و یکم، امریکا باید از نوستالژی «حیات خلوت» خود بیدار شود.

روز یکشنبه به وقت محلی، رئیس‌جمهور پاناما، خوزه مولینو، در یک ویدئوی منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی اظهار داشت: «هر متر مربع از کانال پاناما و مناطق مجاور آن متعلق به پاناما است و چنین خواهد ماند، و حاکمیت و استقلال کشور ما غیرقابل مذاکره است.» این اظهارات در واکنش به سخنان رئیس‌جمهور منتخب ایالات متحده در روز پیش از آن بیان شد. وی کانال پاناما را «یک دارائی حیاتی ملی برای ایالات متحده» توصیف کرده و تهدید کرده بود که کانال را بازپس می‌گیرد و به «قیمت‌های گزاف» تحمیل شده بر کشتی‌های امریکائی استناد کرد. اگر این منطق که هرکس کانالی را حیاتی بداند می‌تواند ادعای مالکیت بر آن داشته باشد، پذیرفته شود، آنگاه قانون بین‌المللی، حاکمیت و تمامیت ارضی چه معنائی خواهد داشت؟

در سال ۱۹۷۷، ایالات متحده و پاناما معاهده کانال پاناما و معاهده بی‌طرفی را امضاء کردند که بر اساس آن کانال در تاریخ ۳۱ دسمبر ۱۹۹۹ به پاناما واگذار شد و تمامی نیروهای نظامی امریکا از پاناما خارج شدند. بر اساس این

معاهدات، تنها پاناما مجاز به عملیات و نگهداری نیروهای نظامی، سایت‌های دفاعی و تأسیسات نظامی در قلمرو ملی خود است.

این دستاورد آسان به‌دست نیامد. مردم پاناما مبارزه‌ای طولانی و قاطع برای لغو معاهدات نابرابر گذشته و بازپس‌گیری حاکمیت بر منطقه کانال انجام دادند. پان دنگ، مدیر مرکز حقوق منطقه آمریکای لاتین و کارائیب در دانشگاه علوم سیاسی و حقوق چین، به روزنامه گلوبال تایمز گفت که پانامایی‌ها هزینه سنگینی برای این پیروزی پرداختند که ارتباط عمیقی با حاکمیت ملی و احساسات ملی آنها دارد. بنابراین، غیرقابل تصور است که ایالات متحده امروز این نتیجه را معکوس کند.

چرا کانال پاناما مهم است؟ این کانال نه تنها گذرگاهی حیاتی برای کشتی‌های آمریکایی به منظور حمل کالا به سایر نقاط جهان است، بلکه امکان عبور سریع نیروی بحری آمریکا بین اقیانوس‌های اطلس و آرام در مواقع اضطراری را فراهم می‌کند. عبارت «قیمت‌های گزاف» برای کشتی‌های آمریکایی بیشتر شبیه یک بهانه است. در پس این اظهارات، تمایل عمیق‌تر آمریکا برای کنترل مسیرهای حمل و نقل جهانی، نقاط گلوگاهی و زنجیره‌های تأمین نهفته است.

با این حال، کنترل موردنظر آمریکا نگرانی‌ها و ناراحتی‌هایی را در میان کشورهای آمریکای لاتین ایجاد کرده است، و واکنش مستقیم پاناما نمونه‌ای زنده از این وضعیت است. این ماجرا ضرب‌المثل مکسیکوئی را به یاد می‌آورد: «این قدر دور از خدا، این قدر نزدیک به ایالات متحده.» کشورهای آمریکای لاتین مدت‌هاست دریافته‌اند که آمریکا آنها را صرفاً به‌عنوان تابعان و تأمین‌کنندگان منابع می‌بیند و حقوق و کرامت آنها به‌عنوان کشورهای مستقل و دارای حاکمیت را نادیده می‌گیرد.

برای مدتی، آمریکا اغلب از کاهش نفوذ خود در آمریکای لاتین ابراز تأسف کرده است. علت اصلی این امر در تکبر آمریکا نهفته است که این منطقه را «حیاط خلوت» خود می‌پندارد و برای مدت طولانی نیازهای توسعه‌ی کشورهای منطقه را نادیده گرفته است. همان‌طور که مقاله‌ای در نشریه فارین پالیسی با عنوان «چین در آمریکای لاتین چه کاری درست انجام داد؟» اشاره می‌کند، چین منابع واقعی را برای تحقق فرصت‌های توسعه‌ی که مدت‌ها در این منطقه مورد غفلت واقع شده بود، ارائه داده است – فرصتی که آمریکا برای دهه‌ها درک نکرده است.

اکنون ما در دهه سوم قرن بیست و یکم هستیم و دیدگاه‌های مطرح‌شده در این مقاله شایسته تأمل‌اند. آمریکا همچنان عمیقاً درگیر نوستالژی «حیاط خلوت» خود است؛ اما آمریکای لاتین قلمرو یا حیاط خلوت ایالات متحده نیست و «آمریکای لاتین» متعلق به آمریکا نیست. این منطقه متشکل از کشورهای دارای حاکمیت است که حق دارند حاکمیت خود را حفظ کنند، به دنبال توسعه باشند و به‌صورت مستقل با هر کشور دیگری همکاری کنند. در نهایت، آنچه پاناما و دیگر کشورهای آمریکای لاتین می‌خواهند، حاکمیت، احترام و یک نظم بین‌المللی عادلانه‌تر و منصفانه‌تر است.

۲۶ دسمبر ۲۰۲۴